



## اهمیت توافق مالی ۲ طرف قبل از شروع زندگی مشترک

## از این جیب به اون جیب

این روزها توافق بر سر مسائل مالی میان زن و شوهرها بیشتر از هر زمان دیگری مطرح است. چرا که در اکثر خانواده‌ها زن و مرد هر دو کار می‌کنند و از طرف دیگر مشکلات اقتصادی آن قدر جدی شده که چشم‌پستن به روی خیلی از بحث‌های مالی را سخت کرده است. توافق نداشتن در این زمینه اختلافات بسیاری را نیز به همراه داشته و یکی از علت‌های اصلی ناسازگاری و جدایی است. به همین دلیل است که این مشکل را پیش از ازدواج باید حل کرد. با محمد مشفق، روان‌شناس بالینی که در زمینه زوج‌درمانی و بهبود روابط میان فردی فعالیت دارد در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

آزاده باقری

خبرنگار



## انتظارات اشتباه

بسیاری از مواقع، اساس اختلافات زن و شوهر درباره مسائل مالی به دلیل انتظاراتی است که بین‌شان به وجود می‌آید. از همین رو نیز این روان‌شناس معتقد است قبل از ازدواج لازم است درباره این موضوعات توافق کرد؛ «معمولاً در جامعه ایران شناختی که قبل از ازدواج شکل می‌گیرد بسیار محدود و سطحی است. علت آن هم به این دلیل است که قبل از ازدواج و شروع زندگی مشترک هیجانات حاکم است. اما خیلی مهم است قبل از ازدواج شناخت عمیق و واقعی پیدا شود و این شناخت در رابطه به دست می‌آید. دوره‌ای مثل دوره نامزدی برای ایجاد همین رابطه است تا زن و مرد در رابطه واقعی هم را بشناسند. چون به کلام آدم‌ها ممکن است ایده‌آل‌های زندگی‌شان را بگویند اما در عمل متفاوت رفتار کنند. بنابراین لازم است هم درباره آن صحبت شود و هم در عمل دید آیا انتظاراتی که از طرف مقابل در زندگی مشترک وجود دارد و آن ایده‌آل‌هایی که درباره‌اش صحبت می‌شود در عمل هم صورت می‌گیرد یا خیر؟ وقتی انتظارات مشخص باشد که از همدیگر چه می‌خواهند آن وقت است که می‌توان بهتر پیش رفت و در تصمیم‌نهایی به نتیجه‌ای قابل قبول تر رسید.»

## توافق بین ۲ بزرگسال

از آنجا که یک استاندارد کلی برای همه آدم‌ها وجود ندارد، نمی‌توان یک نسخه کلی برای همه پیچید. منتها می‌توان یک سری مسائل را به عنوان مبنا قرار داد. یعنی خط پایه‌ای در نظر گرفته و براساس آن خط پایه، آدم‌ها با هم به توافق برسند. مشفق این خط پایه در میان روابط زن و شوهر را «بزرگسال» بودن‌شان دانسته و معتقد است در روابط مالی زن و شوهر آنچه می‌توان پایه قرار گیرد این است که آنها، دو فرد بزرگسال هستند. هر آدم بزرگسالی هم می‌تواند کارهای شخصی‌اش را انجام دهد. مثلاً لباسش را بشوید، غذا درست کند، خرج خودش را دربیارد و... یک انسان بزرگسال این قابلیت را دارد که بتواند خودش را اداره کند. او با توجه به این دیدگاه می‌گوید: «گاهی وقت‌ها تصور ذهنی این است که زن‌ها یا مردها هنوز کودک دیده می‌شوند و نیاز به سرپرستی و مراقبت دارند. اما واقعیت این است که دو بزرگسال با هم وارد رابطه شده‌اند که به هم عشق بدهند و از هم عشق بگیرند و این مبادله عشق در حالی است که هر کدام‌شان به عنوان یک بزرگسال، می‌توانند به شکل مستقل خودشان را نیز اداره کنند. بعد از قبول این مبنا هر کس می‌تواند زندگی‌اش را با توجه به ویژگی‌ها، شرایطش مطرح کند و در نهایت به توافق زناشویی برسد. همان‌طور که به عنوان مثال می‌توان به توافق رسید که نظافت منزل یا برنامه‌ریزی سفر یا درست کردن غذا بر عهده چه کسی باشد؛ می‌توان در مسائل مالی نیز توافق کرد.»

## اهمیت آشنایی پیش از ازدواج

به همین علت نیز این روان‌شناس آشنایی پیش از ازدواج را بسیار مهم می‌داند: «تجربه دو طرف با یکدیگر بسیار مهم‌تر از جلسه مشاوره پیش از ازدواج است. ما لزوماً به تجربه خودمان بی‌توجه هستیم و نادیده می‌گیریم. در دوره شش ماهه نامزدی مشکلات را می‌بینیم؛ اما از آنها چشم‌پوشی کرده و تصور می‌کنیم در زندگی می‌شود این مشکلات را درست کرد؛ درحالی‌که همین تجربه دوران نامزدی نمونه‌ای از زندگی آینده است. در مسائل مالی هم این مساله صدق می‌کند. خود دو نفر باید به توافق برسند. کسی از بیرون نمی‌تواند بگوید که تو پولت را در زندگی‌ات چطور خرج کن! حتی اگر مشاور یا بزرگ‌تر هم بگوید در نهایت آن فرد عمل نخواهد کرد. طرفین باید خودشان به توافق برسند و قبل از ازدواج درباره این مسائل حتماً با هم صحبت کنند. این اختلافات به این علت رخ می‌دهد که عموماً قبل از ازدواج به این مسائل توجه نمی‌شود و بیشتر به رابطه‌ای توجه می‌شود که در آن لحظه به آن نیاز دارند. وابستگی ایجاد شده و هیجانات بیشتر به چشم می‌آید و بعد از ازدواج که از تب و تاب افتادند می‌بینند درباره مسائل مهمی مانند مسائل مالی توافق ندارند.»

این در حالی است که اگر دو نفر متناسب با شخصیت خودشان و سبک زندگی‌ای که دارند فردی را انتخاب کنند، آن وقت با چنین مشکلاتی نیز مواجه نخواهند شد یا مشکلی هم پیش‌آید جزو مشکلات اساسی‌شان نخواهد بود و می‌توانند براساس توافقات قبلی آن را حل کرده و از بحران عبور کنند. زمانی مشکل پیش می‌آید که دوطرف دو جور متفاوت از هم فکر کنند و انتظار داشته باشند و از تفکر و انتظار خود هم کوتاه نیایند. در نتیجه اساس داستان شناخت قبل از ازدواج و توافق در همان زمان اینجا کارکرد دارد.»

## الگوی سنتی، الگوی مدرن

سوال مهم این است که آیا تفاهم مالی با کمک گرفتن از مشاور یا الگو گرفتن از دیگران اتفاق می‌افتد؟ مشفق، روان‌شناس بالینی برای پاسخ به این سوال به سبک زندگی اشاره می‌کند: «باید مبنا را مشخص کرد که سبک زندگی دو فرد، زندگی سنتی است که مثلاً مرد نان‌آور خانه بوده و مسائل مالی بر عهده اوست و زن نیز این موضوع را پذیرفته یا مبنای زندگی، زندگی مدرن است که اکثراً زن و شوهر با هم کار می‌کنند و هر کدام استقلال مالی دارند. در الگوی سنتی همه مردها و همه زن‌ها در زمینه مسائل مالی، برای هم مناسب بودند و فقط کافی بود که بر سر مسائل دیگر مانند هم‌سطح بودن و... به توافق برسند. اگر با هم دچار مشکل هم می‌شدند پیش بزرگ‌تر خانواده می‌رفتند.»

در روابط سنتی این‌طور نبوده که مرد بگوید من چه می‌خواهم و زن بگوید من چه می‌خواهم. زن و مرد مطابق با عرف جامعه رفتار می‌کردند. جامعه می‌گفت مرد به عنوان مرد این کارها را انجام دهد و زن هم به عنوان زن باید این کارها را انجام دهد. بنابراین بزرگ‌تر خانواده هم بهتر از هرکسی از این عرف‌ها خبرداشت و زمان اختلاف به او می‌گفتند تا حکم شود. اما در الگوی مدرن فردیت مطرح است. از این فرد تا آن فرد زمین تا آسمان فرق هست. همین تفاوت‌های فردی نیز موجب شده تا همه آدم‌ها به درد هم نخورند. خود فرد باید با توجه به سبک زندگی و شخصیتی‌اش فرد متناسب خود را پیدا کند.

برای همین دیگر کسی چه بزرگ‌تر چه مشاور نمی‌تواند از بیرون برایش تعیین تکلیف کند. افراد باید خودشان به این آگاهی برسند. حتی در بحث مشاوره‌های پیش از ازدواج هم، مشاور نمی‌گوید شما دو نفر ازدواج کنید یا نکنید. با تست و سوال به تیپ شخصیتی رسیده و مشاور می‌گوید آیا تیپ‌های شخصیتی به هم می‌خورند یا نه اما در نهایت خود دو طرف هستند که تصمیم می‌گیرند برای ازدواج مناسب هم هستند یا خیر.»